

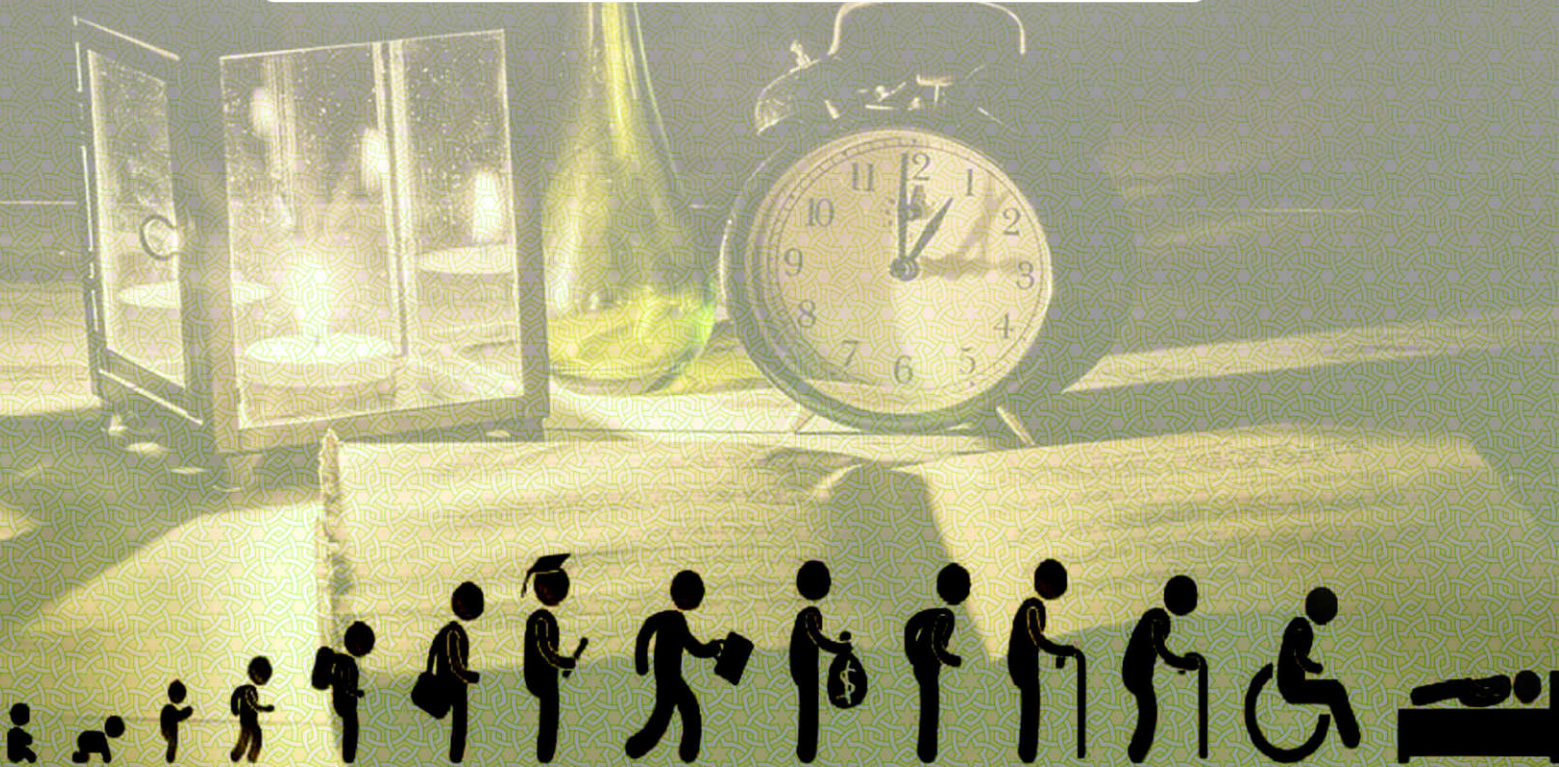
واژه‌ها و اصطلاحات

زندگی نامه، به دنیا آمدن، بزرگ شدن، فارغ التحصیل شدن، پیدا کردن شغل، بچه دار شدن، از دنیا رفتن، بنی آدم، آفرینش، گوهر، شیرین گفتار، دانش دوست، آموختن، پیوسته، عضو، به درد آوردن، روزگار، نماند قرار، عبور کردن، سرزمین، دگر، گلستان، بوستان، درگذشتن، خوشبختم، همشهری، شمسی، میلادی، هجری قمری، اقتصاد، مدیریت، ریاضیات، هنر، ادبیات، روانشناسی، علوم دینی، نجوم، فلسفه، قرن، فیلسوف، منجم، ریاضیدان، مرتب کردن، تقویم، رویداد، مذهبی، عزا، برگزار کردن، رویداد ملی، پیروزی، مبدأ، هجرت، چرخیدن، دقیق

اهداف درس

انتظار می رود دانشجوی پس از خواندن این درس:

۱. با واژه‌ها و عبارات مربوط به «زندگی نامه» آشنا شود.
۲. با تفاوت تاریخ‌های «میلادی، شمسی و قمری»، ماه‌های مربوط به آن‌ها و نحوه نوشتن و خواندن آنها آشنا شود.
۳. با برخی از اسامی رشته‌های علمی و مفهوم هر یک آشنا شود.
۴. با مفهوم و ساختار «فعل مرکب» در زمان حال و زمان گذشته و صرف کردن آنها آشنا شود.
۵. با موضوع و مفهوم عبارات متن خواندن آشنا شود.



واژه‌ها

بشنوید و تکرار کنید.



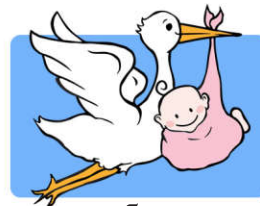
فارغ التحصیل شدن



تحصیل کردن



بزرگ شدن



به دنیا آمدن



از دنیا رفتن



بچه‌دار شدن



ازدواج کردن



شغل پیدا کردن

شنیدن

الف: به گفتگوها گوش کنید و سعی کنید جمله بعدی هر کدام را حدس بزنید.

الف) همسر من اهل قم است.
ب) سلامتی. من هم سه ماه پیش ازدواج کردم.
پ) می‌آیی امروز بعد از ظهر برویم سینما؟

۱

الف) الان یک دختر سه ساله دارم.
ب) برادر بزرگم متاهل است.
پ) پدر و مادرم توی رشت ازدواج کردند.

۲

الف) مادر بزرگم اهل ایران است.
ب) مادر بزرگم آشپز خیلی خوبی است.
پ) او با ما زندگی می‌کند.

۳

الف) من دوست دارم خانه‌دار باشم.
ب) من مشهد را خیلی دوست دارم.
پ) من پارسال به تبریز آمدم.

۴

۱۵۴

از دنیا رفتن
بچه‌دار شدن
ازدواج کردن
شغل پیدا کردن
فارغ التحصیل شدن
تحصیل کردن
بزرگ شدن
به دنیا آمدن

							۱
							۲
							۳
							۴

ب: گفتگوها را دوباره گوش کنید و بگویید در هر گفتگو در مورد چه موضوعاتی صحبت می‌شود.

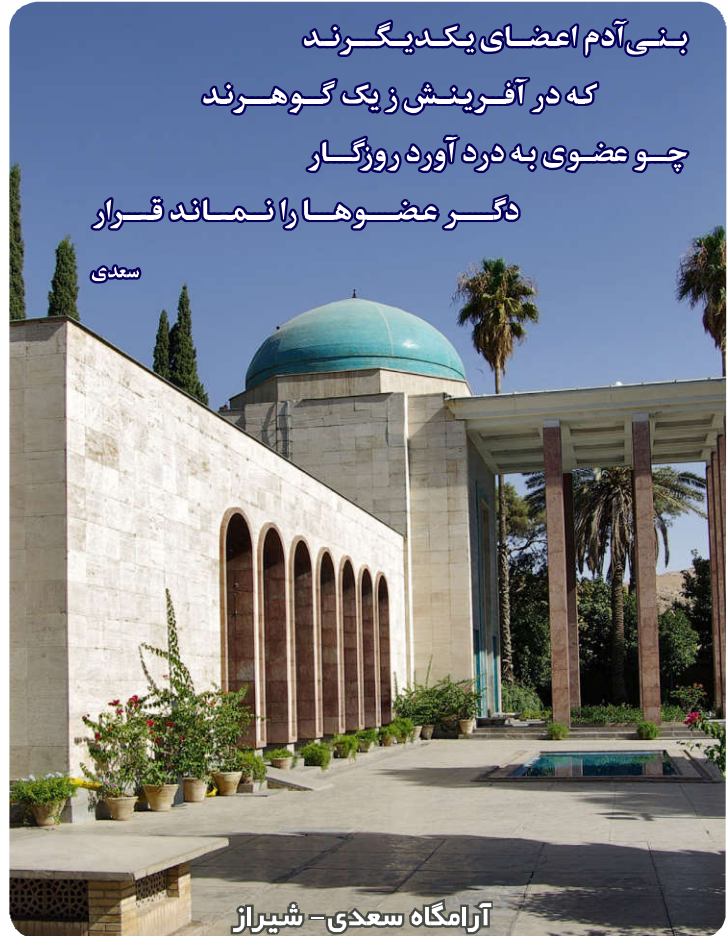
سعدی شیرین گفتار

سعدی حدود ۸۰۰ سال پیش در یک خانواده دانش دوست در شیراز به دنیا آمد. در دوازده سالگی پدرش از دنیا رفت. سعدی تا بیست سالگی در شیراز درس خواند؛ اما بعد از آن به دانشگاه نظامیه بغداد رفت و در آنجا قرآن، درس‌های اسلامی و زبان عربی آموخت.

سعدی، بعد از فارغ‌التحصیل شدن از دانشگاه، پیوسته از کشوری به کشور دیگر می‌رفت. او از کنار شهرها، روستاها، بیابان‌ها و دریاهاى مختلف عبور کرد. او به سرزمین‌هایی مانند دمشق، موصل، شام، حجاز، یمن، روم، هند و ... سفر کرد و با مردم گفتگو کرد.

سعدی بعد از سی سال؛ یعنی در سن پنجاه سالگی به شیراز آمد و دو کتاب «گلستان» و «بوستان» را نوشت. «بوستان سعدی» یکی از معروف‌ترین کتاب‌های شعر در دنیا است. «گلستان سعدی» هم یک کتاب زیبا است و در آن داستان‌های کوتاه و شیرین بسیاری وجود دارد.

سعدی در سال ۶۹۰ در شیراز درگذشت.



سعدی

آرامگاه سعدی - شیراز

تمرین. یک‌بار دیگر متن را بخوانید و واژه‌های هم‌معنی را متصل کنید. !

الف) گذشتن

ب) همیشه

پ) دوستدار علم

ت) کشور

ث) یادگرفتن

۱. دانش دوست

۲. آموختن

۳. پیوسته

۴. عبور کردن

۵. سرزمین



تاریخ‌های زیر را بشنوید و تکرار کنید. !

خواندن تاریخ	نوشتن	سال
هزار و سیصد و پنجاه و هفت هجری شمسی	۱۳۵۷	شمسی
هزار و سیصد و نود و دو هجری شمسی	۱۳۹۲	شمسی
هزار و سیصد و هشتاد و هفت هجری شمسی	۱۳۸۷	شمسی
هزار و چهارصد و سی هجری قمری	۱۴۳۰	قمری
هزار و چهارصد و پانزده هجری قمری	۱۴۱۵	قمری
هزار و چهارصد و بیست و هفت هجری قمری	۱۴۲۷	قمری
دو هزار و سیزده میلادی	۲۰۱۳	میلادی
هزار و نهصد و هفتاد و شش میلادی	۱۹۷۶	میلادی
هزار و هشتصد و هفتاد و پنج میلادی	۱۸۷۵	میلادی



الف) گفتگوی زیر را بشنوید. !

- سلام! شما آقای محمدی هستید؟
- سلام! بله، شما؟
- من همکار جدیدتان هستم. کریمی.
- خوشبختم آقای کریمی.
- من هم همین‌طور.
- شما اهل کدام شهر هستید؟
- اهل تبریز.
- پس همشهری هستیم.
- کجای تبریز؟
- نوی خیابان بهشتی، نزدیک میدان آزادی.
- واقعاً! من هم ۱۰ سال قبل آنجا زندگی می‌کردم.
- شما متولد چه سالی هستید؟
- من متولد مهر ۱۳۵۶ هستم. شما چطور؟
- راستش من دو سال از شما بزرگترم. من مهر ۱۳۵۴ به دنیا آمدم.
- کدام مدرسه درس می‌خواندید؟
- مدرسه طالقانی. شما چطور؟
- من هم سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۶ در مدرسه طالقانی بودم.

ب) دوباره گفتگو را بشنوید و تمرین کنید. !



واژه‌های زیر را بشنوید.



شیمی



مدیریت



اقتصاد



پزشکی



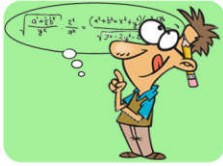
ادبیات



هنر



مهندسی



ریاضیات



فلسفه



نجوم



علوم دینی



روان‌شناسی



الف) گفتگوی زیر را بشنوید.



- چه کتابی می‌خوانی؟
- زندگی یک دانشمند بزرگ ایرانی که در سال ۳۷۰ هجری قمری یعنی؛ قرن چهارم به دنیا آمد.
- چه جالب! کی؟
- اسمش ابوعلی سینا است.
- ایشان در چه رشته‌ای تخصص داشت؟
- ایشان پزشک، ریاضیدان، فیلسوف و منجم بزرگ ایرانی بود.
- واقعاً؟! توی این همه رشته علم داشت؟!
- بله ایشان یکی از دانشمندان بزرگ جهان است.
- چه سالی از دنیا رفت؟
- سال ۴۲۸ هجری قمری، در سن ۵۸ سالگی.



ب) دوباره گفتگو را بشنوید و تمرین کنید.

روز / نام ماه شمسی	
فروردین	۳۱
اردیبهشت	۳۱
خرداد	۳۱
تیر	۳۱
مرداد	۳۱
شهریور	۳۱
مهر	۳۰
آبان	۳۰
آذر	۳۰
دی	۳۰
بهمن	۳۰
اسفند	۲۹
جمع روزها	۳۶۵

روز / نام ماه قمری	
محرم	۳۰
صفر	۲۹
ربیع الاول	۳۰
ربیع الثاني	۲۹
جمادی الاول	۳۰
جمادی الثاني	۲۹
رجب	۳۰
شعبان	۲۹
رمضان	۳۰
شوال	۲۹
ذیقعدہ	۳۰
ذی الحجّه	۲۹
جمع روزها	۳۵۴

روز / نام ماه میلادی	
ژانویه	۳۱
فوریه	۲۹ یا ۲۸
مارس	۳۱
آوریل	۳۰
مه	۳۱
ژوئن	۳۰
ژوئیه	۳۱
اوت	۳۱
سپتامبر	۳۰
اکتبر	۳۱
نوامبر	۳۰
دسامبر	۳۱
جمع روزها	۳۶۵



فعل مرکب فعلی است که در ساختار آن از یک کلمه و یک فعل ساده استفاده شده است.

کلمه + فعل ساده = فعل مرکب
 ازدواج + کردن = ازدواج کردن
 فارغ التحصیل + شدن = فارغ التحصیل شدن
 بچه دار + شدن = بچه دار شدن

گذشته ساده	مضارع اخباری
۱. او فروردین پارسال ازدواج کرد.	۱. او فروردین امسال ازدواج می کند.
۲. من ژانویه پارسال فارغ التحصیل شدم.	۲. من ژانویه امسال فارغ التحصیل می شوم.
۳. همسایه ما خرداد پارسال بچه دار شد.	۳. همسایه ما خرداد امسال بچه دار می شود.
۴. ما در تهران تحصیل کردیم.	۴. ما در تهران تحصیل می کنیم.



برای صرف فعل گذشته ساده باید از «بن ماضی» استفاده کرد نه «بن مضارع».

فاعل	کلمه	بن فعل	شناسه	مثال
من	تمیز	کرد	م	من دیروز صبح، خانه را تمیز کردم.
تو		کرد	ی	تو دیروز صبح، خانه را تمیز کردی.
او		کرد	--	او دیروز صبح، خانه را تمیز کرد.
ما		کرد	یم	ما دیروز صبح، خانه را تمیز کردیم.
شما		کرد	ید	شما دیروز صبح، خانه را تمیز کردید.
آنها		کرد	ند	آنها دیروز صبح، خانه را تمیز کردند.

تمرین. بن مضارع و فعل مضارع مصدرهای زیر را بنویسید. !

..... /	ورزش کن / ورزش می کنم	تمیز کردن	مثال: ورزش کردن
..... / /	اتو کردن	ازدواج کردن
..... / /	بازی کردن	مطالعه کردن
..... / /	درس خواندن	خیاطی کردن
..... / /	تلفن زدن	تلفن کردن

سال شمسی، قمری و میلادی

مردم ایران معمولاً از دو نوع تقویم استفاده می‌کنند؛ تقویم هجری شمسی و تقویم هجری قمری. تقویم قمری مخصوص رویدادهای مذهبی است. ایرانی‌ها همیشه در روز تولد پیامبر اسلام و امامان معصوم (علیهم‌السلام) جشن می‌گیرند و در روز شهادت آنها مراسم عزا برگزار می‌کنند.

مردم ایران از تقویم شمسی برای رویدادهای ملی؛ مانند عید نوروز، روز طبیعت، پیروزی انقلاب اسلامی و ... استفاده می‌کنند.

آیا می‌دانید تقویم هجری شمسی، هجری قمری و میلادی چه تفاوت‌هایی باهم دارند؟

مبدأ تقویم هجری شمسی و قمری، هجرت پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) از مکه به مدینه است؛ اما این دو تقویم چه تفاوتی باهم دارند؟ «شمس» در زبان عربی به معنی «خورشید» و «قمر» در زبان عربی به معنی «ماه» است.

«سال شمسی»؛ یعنی سال خورشیدی. زمین در هر ۳۶۵ روز، یک‌بار به دور خورشید می‌چرخد و از چرخیدن زمین به دور خورشید «سال شمسی» به وجود می‌آید؛ اما از چرخیدن ماه به دور زمین سال قمری به وجود می‌آید. سال قمری حدود یازده روز از سال شمسی کوتاه‌تر است؛ زیرا ماه در هر ۳۵۴ روز دوازده بار به دور زمین می‌چرخد.

و اما تقویم میلادی. این تقویم، مانند تقویم شمسی، گردش یک دور زمین به دور خورشید است؛ اما مبدأ آن تولد حضرت مسیح (علیه‌السلام) است. تقویم میلادی مشهورترین تقویم جهان است و در بیشتر کشورهای اروپایی و آمریکایی از آن استفاده می‌شود؛ با این وجود تقویم هجری شمسی ایرانی دقیق‌ترین تقویم جهان است.

خودآزمایی

! ۱. هر یک از اعضای خانواده شما به چه رشته‌هایی علاقه دارند. مانند مثال یک جمله بنویسید.

ادبیات / مهندسی / ریاضیات / نجوم / اقتصاد / پزشکی / شیمی / فلسفه / روانشناسی / علوم دینی ...

مثال	احمد به رشته مهندسی خیلی علاقه دارد. او دانشجوی رشته مهندسی است.
۱. من	
۲. پدر	
۳. مادر	
۴. خواهر	
۵. برادر	

! ۲. با واژه‌های جدید جمله بسازید.

۱. (.....)
۲. (.....)
۳. (.....)
۴. (.....)
۵. (.....)

! نوشتن. مانند مثال درباره زندگی‌نامه یکی از شخصیت‌های مهم کشورتان انشا بنویسید.

روح الله در روز بیستم جمادی الثانی ۱۳۲۰ هجری قمری مطابق با ۳۰ شهریور ۱۲۸۱ هجری شمسی (۲۴ سپتامبر ۱۹۰۲ میلادی) در شهرستان خمین به دنیا آمد. ایشان از کودکی درس را شروع کردند و پس از آن به مکتب رفتند و بعد از آن، به مدرسه‌های جدید رفتند. روح الله، علوم اسلامی را در شهر خمین، اراک و قم خواندند. ایشان در سن ۲۷ سالگی ازدواج کردند. اسم فرزندان امام، مصطفی، صدیقه، فریده، زهرا و احمد است. ...

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

ضمیمه شنیدن

۳. این تراش است.
۴. این ماژیک است.
۵. آن میز است.
۶. آن صندلی است.
۷. آن خودکار است.
۸. آن مدادپاک کن است.

درس چهارم: شنیدن ۱

الف) گفتگوها را بشنوید.

ب) دوباره گفتگوها را بشنوید و بگویید گفتگوها درباره کیست؟

۱. - این مداد شما است.
- نه این مداد همکلاسی من است.
۲. - اسم مدیر شما چیه؟
- اسم مدیر من حسین است.
۳. - دوست شما چکاره است؟
- دوست من دکتر است.
۴. - او مدیر تو است؟
- نه مدیر من نیست. همکار من است.
۵. - شما امروز مهمان دارید؟
- نه! امروز مهمان نداریم. فردا مهمان داریم.
۶. - مژگان همکار شما است؟
- نه او همسایه ما است. همکار ما نیست.

درس چهارم: شنیدن ۲

الف) دور اعدادی که می شنوید، خط بکشید.

الف	۱۶	ت	۱۴	چ	۱۵
ب	۱۱	ث	۱۷	ح	۱۹
پ	۲۰	ج	۱۲	خ	۱۳

ب) واژه‌ها و اعدادی را که می شنوید، به هم وصل کنید.

- ◆ آشپز چاق ۱۲
- ◆ خلبان بلند ۲۰
- ◆ دکتر پیر ۱۷
- ◆ کیف کوچک ۱۱
- ◆ آشپز لاغر ۱۶
- ◆ خط کش کوتاه ۱۸
- ◆ خط کش بلند ۱۵
- ◆ دکتر جوان ۱۹
- ◆ کیف بزرگ ۱۳
- ◆ گل زیبا ۱۴

درس اول: شنیدن

الف) جمله های زیر را بشنوید.

ب) جمله های زیر را بشنوید و کامل کنید.

من مجید هستم تو حمید هستی. او کریم است.

درس دوم: شنیدن

گفتگوهای زیر را بشنوید.

یک بار دیگر گفتگوها را بشنوید. در هر گفتگو شغل این افراد چیست؟
بخش اول:

- تو چکاره هستی؟
- من بنا هستم.

بخش دوم:

- اونا چکاره هستند؟
- اونا پلیس هستند.

بخش سوم:

- بیخشید شما پلیس هستید؟
- نه من پلیس نیستم. من خلبان هستم.

بخش چهارم:

- سلام آقای دکتر.
- سلام! بیخشید من دکتر نیستم.
- من پرستار هستم. آقای دکتر اونجاست.

بخش پنجم:

- سعیده دکتره؟
- دکتر؟ نه سعیده آسپزه. دکتر نیست.

بخش ششم:

- سلام! اسم من احمده! اسم تو چیه؟
- اسم من حسین رحمانی.
- تو دانشجویی؟
- نه! من استادام!
- آه! بیخشید استاد رحمانی! نشناختم.

درس سوم: شنیدن

واژه‌ها را بشنوید.

واژه‌ها را دوباره بشنوید و تصاویر را شماره بزنید.

۱. مداد
۲. دفتر
۳. تراش
۴. ماژیک
۵. میز
۶. استاد
۷. دانشجو
۸. مدادپاک کن
۹. مداد رنگی
۱۰. آشپز

درس سوم: پیش گفتگو

جمله‌ها را بشنوید و جاهای خالی را کامل کنید.

۱. این مداد است.
۲. این دفتر است.

درس پنجم: شنیدن ۱

۱. خواهر من کوچک است.
۲. پدر من قذبلند است.
۳. آنها برادرهای من هستند.
۴. پسر من قشنگ است.
۵. او شوهر من است.
۶. او مادر من است.
۷. دختر من خیلی خجالتی است.
۸. مادر بزرگ من خیلی پیر است.

درس پنجم: شنیدن ۲

اعدادی را که می شنوید، مشخص کنید.

۱۳-۷۰-۵۱-۳۵-۴۹-۲۹-۸۱-۱۹-۶۶-۳۷-۶۱-۲۶-۶۸-
۸۴-۱۰۳-۹۴-۸۹-۱۵-۵۳-۵۲-۳۴-۴۲-۷۳-۹۷

درس ششم: شنیدن

الف) گفتگوها را بشنوید.

ب) دوباره گفتگوها را بشنوید و جدول مقابل را کامل کنید.

۱. - اتاق خواب شما بزرگه؟
- نه اتاق خوابم کوچیکه، اما یه پنجره بزرگ داره.
۲. - خانه شما کوچیکه؟
- آره! پذیراییش خیلی کوچیکه.
- آشپزخونه‌اش چطور؟
- نه آشپزخونه‌اش بزرگه، کوچیک نیست.
۳. - ما یه حیاط بزرگ داریم.
- باغچه چطور؟ حیاطتون باغچه هم داره؟
- آره یه باغچه خیلی بزرگ داره.
۴. - اتاق خواب شما کجاست؟
- اتاق خواب من؟ اتاق خواب من بالای راه‌پله‌هاست.
۵. - دستشویی شما توی حیاطه؟
- آره! توی حیاطه.
- حمام چطور؟ حمامتون هم توی حیاطه؟
- (بالبخند) نه حماممون توی حیاط نیست! توی اتاق خوابه!
۶. - خونه شما چندتا اتاق خواب داره؟
- ۵ تا.
- ۵ تا؟ راست می‌گی؟
- آره! دوتا اتاق خواب طبقه بالا و سه تا اتاق خواب هم طبقه پایین.
- ببخشید، پدر شما چکاره است؟
- پدرم مهندس.

درس هفتم: شنیدن

الف) گفتگوها را بشنوید.

ب) دوباره گفتگوها را بشنوید و جدول زیر را کامل کنید.

۱. الف) سلام مهین چطوری؟
ب) سلام ممنون
الف) کجا می‌ری؟
ب) مدرسه
۲. الف) حالت خوبه؟
ب) نه! حالم خوب نیست. دارم می‌رم بیمارستان.
۳. الف) ببخشید پارک کجاست؟
ب) پارک؟ پارک اونجاست! اون رو برو.
الف) آهان! متشکرم.
ب) خواهش می‌کنم.
۴. الف) اینجا بیمارستانه؟
ب) نه اینجا بیمارستان نیست. اینجا داروخانه است.
بیمارستان انجاست.
۵. الف) ببخشید آقا نانوایی کجاست؟
ب) مستقیم برو، بعد بیچ سمت چپ.
الف) خیلی متشکرم.
ب) خواهش می‌کنم.
۶. الف) ببخشید خانم فروشگاه کجاست؟
ب) فروشگاه حدود بیست متر جلوتره! کنار نانوایی.
الف) لطف کردین.
ب) خواهش می‌کنم.

درس هشتم: شنیدن

الف) گفتگوها را بشنوید.

ب) یک بار دیگر گفتگوها را بشنوید.

در هر یک از این گفتگوها درباره کدام یک از کارهای روزانه صحبت می‌کنند.

۱. الف) شما هر روز صبح چه کار می‌کنید؟
ب) من هر روز صبح اول صبحانه می‌خورم، مسواک می‌زنم و به مدرسه می‌روم. شما چطور؟
الف) من هم اول صبحانه می‌خورم و بعد تلویزیون می‌بینم.
۲. الف) شما صبحها چه کار می‌کنید؟
ب) صبحها؟ خوب اول صبحانه می‌خورم و بعد می‌خوانم.
الف) می‌خوانی؟
ب) آره! آخه من شبها کار می‌کنم.
۳. الف) من ظهرها استراحت می‌کنم. شما چطور؟
ب) من هم همینطور!

- سانتیگراد بالای صفره. هوا ابری و باد ملایمی می‌آید.
۳. هوای تبریز امروز بسیار سرده. دمای هوا ۵ درجه زیر صفر است. دانش‌آموزان لباس گرم بپوشند و راندها موقع رانندگی مواظب باشند. امروز بعد از ظهر در تبریز هوای آفتابی نداریم. هوا ابری ست و برف می‌آید.
۴. هوای ساری امروز خنک و تمیزه! و به احتمال زیاد امروز بعد از ظهر هوا ابری است. عصر امروز از درجهٔ هوا کاسته می‌شود و باران می‌آید. دمای هوا در ساری امروز ۸ درجهٔ سانتیگراد است.

درس دهم: شنیدن

الف) تاریخ‌ها را بشنوید.

ب) یک‌بار دیگر تاریخ‌ها را بشنوید و در جدول مشخص کنید.

- | | |
|-------------------|----------------------|
| ۱. دوازده بهمن | ۷. هشتم اردیبهشت. |
| ۲. سوم تیر | ۸. سیزدهم فروردین. |
| ۳. شانزدهم شهریور | ۹. بیست و چهارم آبان |
| ۴. هفده آذر | ۱۰. چهاردهم خرداد |
| ۵. دوازدهم اسفند | ۱۱. پانزدهم مرداد |
| ۶. نهم مهر | ۱۲. دهم دی |

درس دهم: شنیدن

گفتگوها را بشنوید و پاسخ‌های درست را علامت بزنید.

۱. معمولاً صبح‌ها با چی مدرسه می‌ری؟
- معمولاً با تاکسی می‌رم، اما بعضی وقتها با اتوبوس هم به مدرسه می‌رم.
- پیاده نمی‌ری؟
- نه مدرسه‌ام دوره. هیچ‌وقت پیاده مدرسه نمی‌رم.
۲. شما معمولاً با چی سرکار می‌ری؟
- با ماشین شوهرم.
- همیشه با ماشین شوهرت می‌ری؟ هیچ‌وقت با اتوبوس نمی‌ری؟
- نه اتوبوس شلوغه. من هیچ وقت با اتوبوس نمی‌رم. بعضی وقتها با تاکسی می‌رم. تاکسی بهتره.
۳. معمولاً با کشتی به کشور امارات می‌ری؟
- با کشتی؟ نه! من همیشه با هواپیما می‌رم.
- هیچ وقت با کشتی نمی‌رم.
- با ماشین چطور؟
- نه اصلاً! نه کشتی، نه ماشین. فقط با هواپیما می‌رم.
۴. معمولاً با چی به مشهد می‌ری؟
- معمولاً با قطار. بعضی وقتها هم با هواپیما.

- الف) صبح‌ها چطور؟ صبح‌ها چکار می‌کنید؟
ب) من هر روز صبح از خواب بیدار می‌شوم، صبحانه می‌خورم، تلویزیون می‌بینم، لباس می‌پوشم و سر کار می‌روم.
۴. الف) من صبحانه نمی‌خورم، اما نهار خیلی می‌خورم.
ب) چرا؟
الف) چون صبح‌ها خیلی کار دارم. حمام می‌روم، لباس می‌پوشم، مسواک می‌زنم و سر کار می‌روم.

درس نهم: شنیدن

الف) گفتگوها را بشنوید.

ب) یک‌بار دیگر گفتگوها را بشنوید و ساعت مورد نظر را یادداشت نمایید.

۱. الف) ببخشید آقا ساعت چنده؟
ب) ساعت؟ هشت و نیم.
الف) هشت و نیم؟ متشکرم.
ب) خواهش می‌کنم.
۲. صدای رادیو: ساعت هفت. اینجا تهران است، صدای جمهوری اسلامی ایران.
۳. الف) ماما! بابا ساعت چند از سر کار می‌آد؟
ب) تقریباً ساعت بیست دقیقه به پنج می‌آد.
الف) بعدش می‌ریم پارک؟
۴. الف) ببخشید خانم ساعت چنده؟
ب) ساعت ... هشت و پنج دقیقه است.
الف) هشت و پنج دقیقه؟ وای دیرم شد. ممنون.
ب) خواهش می‌کنم.
۵. الف) شما هر روز ساعت چند از خواب بیدار می‌شوی؟
ب) حدود ۵ دقیقه به ۱۲.
الف) چرا آنقدر دیر؟
ب) آخه من شبها کار می‌کنم و صبح‌ها می‌خوابم.
۶. الف) شما معمولاً ساعت چند نهار می‌خورید؟
ب) حدود ساعت یک و بیست و پنج دقیقه. اول نماز می‌خونم، بعد نهار می‌خورم.

درس دهم: شنیدن ۱

الف) گفتگوها را بشنوید. در هر شهر هوا چگونه است؟

ب) دوباره گفتگوها را بشنوید. در هر شهر دما چند درجه است؟

۱. سلام صبح بخیر! اینجا ایران است، صدای رادیو پیام را می‌شنوید. با بخش آب و هوای شهرها در خدمت شما هستیم. امروز پنجشنبه ۲۵ مهر ۹۲، هوای تهران آفتابی و گرم است. دمای هوا ۲۷ درجهٔ سانتیگراد بالای صفر است.
۲. هوای شیراز امروز کاملاً بهاریه! هوا ۱۶ درجهٔ

- با اتوبوس چطور؟ با اتوبوس نمی‌ری؟
- نه با اتوبوس خیلی سخته. هیچ وقت با اتوبوس نمی‌رم.

درس دوازدهم: شنیدن

گفتگوها را بشنوید.

گفتگوها را دوباره بشنوید و تصاویر را با توجه به گفتگوها شماره بزنید.

۱. - مجتبی جان کجا می‌ری؟
- می‌رم پارک.
- هر روز پارک می‌ری؟
- آره! معمولاً هر روز صبح با اتوبوس به پارک می‌رم.
- چرا؟
- من هر روز ۲ ساعت تو پارک ورزش می‌کنم.
۲. - شما توی اوقات فراغت چکار می‌کنی؟
- بیشتر مطالعه می‌کنم.
- چه کتابهایی رو مطالعه می‌کنی؟
- کتابهای داستان.
۳. - جمعه این هفته چکار می‌کنی؟
- صبح یا بعد از ظهر؟
- بعد از ظهر.
- من معمولاً جمعه‌ها بعد از ظهر با رایانه بازی می‌کنم.
- از ساعت چند تا چند؟
- از ساعت ۵:۰۰ تا ۷:۰۰.
۴. - چه لباس قشنگی! کجا می‌ری؟
- می‌رم مهمانی خونه داییم.
- پیاده می‌ری؟
- نه خونه داییم خیلی دوره! با ماشین پدرم می‌رم.
۵. - می‌ری خونه؟
- آره خیلی خستم.
- می‌خوای استراحت کنی؟
- نه کلی ایمل جدید دارم. استراحت نمی‌کنم. ایملیم رو چک می‌کنم.
- باشه! خسته نباشی!
- سلامت باشی! خداحافظ.
۶. - الو! سلام!
- سلام!
- خوبی؟
- ممنون!
- تلویزیون می‌بینی؟
- نه! خیلی خستم! امشب نه تلویزیون، نه اخبار.

استراحت می‌کنم.

درس سیزدهم: شنیدن

الف) گفتگوها را بشنوید و جمله بعد را حدس بزنید.

۱. - چه کت و شلوار قشنگی! شما همیشه این کت و شلوار را می‌پوشید؟
- همیشه که نه! بعضی وقتها فقط پیراهن و شلوار می‌پوشم و کت نمی‌پوشم. شما چطور؟
 ۲. - کمربندم کجاست؟
- روی تخت است، توی اتاق خواب)
- ممنون، کلاهم کجاست؟
- آن هم روی تخت است، کنار کمربند.
- نیست!
- پس شاید زیر تخت است.
- آهان. آره زیر تخت است، ممنون، جورابم کجاست؟
 ۳. - سارا جان چادر من را بده!
- چادر؟ کجا می‌ری مامان.
- بیمارستان.
- بیمارستان؟ چرا؟
- دوستم، مریض است. خانم محمدی.
- صبرکن، منم می‌آیم، روسری من کجاست؟
 ۴. - فردا ساعت چند می‌ری خرید؟
- ساعت یازده.
- یازده؟ چرا اینقدر دیر؟
- آخه فردا صبح زود، اول جوراب و دامنم را می‌شویم، بعد مقنعه و مانتوام رو اتوم می‌کنم.
- خوب چرا امشب این کار را نمی‌کنی؟
- ب) یکبار دیگر گفتگوها را بشنوید و جدول زیر را کامل کنید.

درس چهاردهم: شنیدن

الف) متن زیر را بشنوید.

ب) متن بالا را یکبار دیگر بشنوید و جاهای خالی را کامل کنید.

متن زیر روش تهیه یک غذای ایرانی (خورشت قیمه) را نشان می‌دهد. با توجه به متن زیر روش تهیه یکی از غذاهای کشورتان را بنویسید.
مواد لازم برای ۴ نفر: گوشت ۷۵۰ گرم، لپه ۱۰۰ گرم، پیاز یک عدد، سیب زمینی ۵ عدد، رب گوجه فرنگی ۲ قاشق غذاخوری، برنج یک کیلو گرم، نمک و فلفل.
دستور پخت:

۱. گوشت، لپه و سیب زمینی را بشوید.
۲. لپه را در آب بریزید و ۲ ساعت آن را بپزید.

۳. گوشت و پیاز را **خرد کنید** و در ماهی‌تابه با روغن **سرخ کنید**.

۴. گوشت، پیاز، لپه و رب گوجه‌فرنگی را در قابلمه **بریزید** و یک ساعت روی اجاق گاز بگذارید.

۵. سیب زمینی را **پوست بکنید**، خرد کنید و در ماهی‌تابه با روغن **سرخ کنید**.
این غذا را در ایران همیشه با برنج می‌خورند.

درس پانزدهم: شنیدن

(الف) گفتگوها را بشنوید.

(ب) گفتگوها را یک‌بار دیگر بشنوید و جدول زیر را کامل کنید.

۱. الف) برادر شما چه شکلی است؟

ب) برادر من لاغر و قد بلنده.

الف) خیلی قد بلنده؟

ب) آره! هم خیلی لاغر و هم خیلی قد بلند.

الف) موهایش چه شکلیه؟

ب) موهایش؟ موهای کوتاه و مشکیه، مثل چشم‌هایش هم مشکیه.

الف) ریش‌هایش بلنده؟

ب) نه! برادر من ۱۴ سالشه. ریش نداره.

۲. اسم دوست من ندا است. اون قدش کوتاهه و یکم چاقه! نه نه! چاق نیست، نه چاقه نه لاغره. ندا موهای فرفری و قهوه‌ای داره. موهایش بلنده، بلند و قهوه‌ای. اما چشم‌هایش مشکیه مشکیه!

۳. دایی من قدبلنده خیلی خیلی چاقه! اون قصابه و هر روز برای نهار چلوکباب می‌خوره. دایی من ۶۲ سال داره و همه موهای سفیده. اون موی کوتاه رو دوست نداره برای همین هم موهایش همیشه بلنده. سفید و بلند! چشم‌های دایی من مثل من آبی‌ه. راستی دایی من یک سبیل بزرگ هم داره.

۴. اسم دختر برادر من سارا است. اون ۶ سال داره و یکم چاق و تپله! اما قدش از دوستاش بلندتره! سارا یک دختر تپل و شیرین با چشم‌های آبی و موهای بلنده! موهای بلند و طلایی. برادرزاده من واقعاً قشنگه، من خیلی دوستش دارم.

درس شانزدهم: شنیدن

(الف) گفتگوها را بشنوید.

(ب) گفتگوها را دوباره گوش کنید و بگویید در هر گفتگو آن افراد چه کاری می‌توانند انجام دهند.

۱. - شما می‌تونید شنا کنی؟

- بله می‌تونم شنا کنم.

- من دوبار در هفته استخر می‌رم و شنا می‌کنم.

- فقط شنا می‌کنی؟

- نه من هر روز دو چرخه سواری هم می‌کنم.

- آ! شما می‌تونید دوچرخه سواری کنی؟

- بله من هم می‌تونم دوچرخه‌سواری کنم و هم می‌تونم اسب سواری کنم.

- اسب سواری؟

- آره! من همیشه جمعه‌ها بعد از ظهر اسب سواری می‌کنم

۲. - تو خانواده شما کارای خانه را کی انجام می‌ده؟

- من و همسرم. همسرم هر روز خانه را تمیز می‌کنه

و ظرفها را می‌شوره. منم خرید می‌کنم.

- از فروشگاه مرکزی خرید می‌کنی؟ اونجا خیلی

شلوغه با چی می‌ری؟

- با موتور.

- جدآ؟ تو می‌تونی موتور سواری کنی؟

- بله می‌تونم موتور سواری کنم.

- رانندگی چطور؟

- نه! من نمی‌تونم رانندگی کنم. من اصلاً ماشین ندارم.

۳. - به به! چه غذای خوشمزه‌ای. همیشه قرمه

سبزی‌پهاتون انقدر خوشمزه است.

- خواهش می‌کنم. نوش جان!

- من نمی‌تونم خوب آشپزی کنم. بیشتر شوهرم آشپزی می‌کنه.

- جدآ؟ پس شما چی؟ شما تو خونه چکار می‌کنی؟

- من؟ خیاطی می‌کنم.

- شما می‌تونید خیاطی کنید؟

- بله می‌تونم! من خیاط هستم.

۴. - وای چقدر قشنگه! این نقاشی رو تو کشیدی؟

- بله! شما می‌تونید نقاشی کنید؟

- نه! اصلاً.

- خطاطی چطور؟ می‌تونید خطاطی کنید؟

- نه! من به خطاطی علاقه ندارم. نمی‌تونم خطاطی بکنم. من عکاس هستم. فقط

می‌تونم عکاسی کنم.

درس هفدهم: شنیدن

(الف) گفتگوها را بشنوید.

ب) یکبار دیگر گفتگوها را بشنوید و جملات زیر را کامل کنید.
مهم ترین تصمیم زندگی این افراد چیست؟

۱. اسام مجتبی است و خونه من توی همین خیابونه. من تو همین خیابون زندگی می کنم. خیابون خلیج فارس. من بنا هستم و هر روز با صبح با موتور سرکار می رم. موتور من خیلی کهنه است و همیشه خراب می شه! من دیگه از اون خسته شدم و می خوام فردا یک ماشین خوب بخرم همسرم عاشق رنگ قرمز، اما من رنگ سفید رو دوست دارم و می خوام یک ماشین سفید بخرم!

۲. مهین جان بعد از فارغ التحصیل شدن از دانشگاه می خواد چیکار کنی؟
- راستش خیلی به این موضوع فکر کردم، اول می خوام یک شغل خوب پیدا کنم، بعد می خوام دیگه ازدواج کنم.
- نمی خواد ادامه تحصیل بدی؟
- نه! فکر می کنم دیگه کافیه! نمی خوام دیگه ادامه تحصیل بدم. دوست دارم ازدواج کنم.

۳. جواد بهترین دوست منه! جواد چهارتا بچه دارد، ۳ تا دختر و ۱ دونه پسر. اما خونه آنها خیلی کوچیکه. جواد دوست داره به خونه بزرگتر بخره، اما خرید یه خونه بزرگ پول زیادی می خواد. برای همین اون الان می خواد یک خونه بزرگتر اجاره کنه. جواد شغل خوبی داره. من فکر می کنم اون چند سال دیگه بتونه یه خونه بزرگ بخره.

۴. سلام. اسم من حمیدرضا است، اما دوستام بم می گن حمید خرخون. خرخون به کسی می گن که خیلی درس می خونه، آخه می دونید من مطالعه کردن رو خیلی دوست دارم. من ۱۸ ساله هستم و امسال می خوام به دانشگاه بروم. راستش تصمیم های زیادی برای زندگیم دارم می خوام یک کار خوب پیدا کنم، می خوام ازدواج کنم، اما از همه مهمتر می خوام ادامه تحصیل بدهم!

درس هجدهم: شنیدن

الف) گفتگوها را بشنوید. در هر گفتگو این افراد کی به مسافرت رفته اند؟

۱. - پارسال تابستان کجا سفر کردی؟
- رفتم شیراز.

- جدی؟ چطور بود؟
- تو شهر گردش کردیم و کلی عکس گرفتیم.
- چقدر خوب)

۲. - سلام، سارا جان. سفر خوش گذشت؟
- جای شما خالی!
- تو شهر گردش کردی؟
- آره! خیلی خوب بود. توی شهر گردش کردیم و از بازار امام سوغاتی خریدیم.
- کی رفتید، کی اومدید؟
- دو هفته پیش رفتیم و دیروز اومدیم.

۳. - شنیدم دو ماه پیش سفر بودی؟
- آره! یک هفته با شوهر رفتیم اصفهان.
- خوش گذشت؟
- جای شما خالی بود. روز اول توی شهر گردش کردیم. روز دوم از موزه بزرگ شهر بازدید کردیم.
- عکس هم گرفتید؟
- آره! کلی عکس گرفتیم. می خواهی عکسهایش رو ببینی؟

۴. - پارسال ترکیه بودی؟
- نه! دو سال پیش رفتم ترکیه.
- غذاهای ترکیه چطور بود؟
- غذاهای محلیش خیلی خوب بود. مخصوصاً کباب هاش.

۵. - به به، چه شیرینی های خوشمزه ای! اینها اسمش چیه؟ از کجا خریدی؟
- از یزد. اسمش قطابه.
- کی یزد بودی؟
- سه هفته قبل.
- برای چی یزد رفتی؟
- رفتم گردش

۶. - هفته قبل کجا بودی؟
- سفر بودم.
- چه خوب! کجا؟
- مشهد!
- زیارت قبول! تو شهر هم گردش کردی؟
- موزه و باغ وحش رفتی؟
- نه!

- سوغاتی چی؟ سوغاتی خریدی؟
- نه! شرمند نتونستم بازار برم. خیلی کار داشتم. فقط تونستم زیارت کنم.

ب) یکبار دیگر گفتگوها را بشنوید و جدول روبرو را کامل کنید.

درس نوزدهم: شنیدن

الف) گفتگوها را بشنوید و مکان های زیر را در نقشه پیدا کنید.
ب) یک بار دیگر گفتگوها را بشنوید. در هر کدام مسافرت به این افراد خوش گذشت یا خیر؟

اما شب خنک بود. من و دوستانم تا صبح ستاره‌ها رو نگاه می کردیم. فوق العاده بود!

۴. - سلام. رسیدن بخیر! مسافرت بودی؟
- آره!

- تنها رفتی یا با خانواده؟

- نه با خانواده رفتیم.

- کجا رفتی؟

- تقریباً یک هفته رفتیم جنوب)

- کجا؟

- جنوب، جزیره کیش.

- جدی؟ شنیدم جزیره کیش خیلی قشنگه! ساحل

مرجانی رفتین؟

- نه!

- کشتی یونانی چطور؟ کشتی یونانی رفتین؟

- نه بابا!

- پس چکار کردین؟

- هیچی! فقط رفتیم خرید.

- فقط خرید؟

- آره بابا! خانمم عاشق خریده. اصلاً خوش نگذشت.

ج) یک بار دیگر گفتگوها را بشنوید و بگویید چرا این سفر خوب بوده یا بد؟

درس نوزدهم: شنیدن

الف) به گفتگوها گوش کنید و سعی کنید جمله بعدی هر کدام را حدس بزنید.

۱. - سلام!

- سلام. ببخشید بجا نیاوردم. شما؟

- من مجیدم.

- مجید؟

- مجید کاویانی. دبیرستان المهدی. قم. یادت نمیاد؟

- آه ه ه! چطوری مجید؟ خوبی؟ کجایی؟

- چیکار می کنی؟ شغلت چیه؟

- دو سال پیش فارغ التحصیل شدم و الان هم توی

بانک کار می کنم.

- ازدواج کردی؟

- آره! پارسال ازدواج کردم.

- بچه چی؟ بچه داری؟

- نه هنوز! تو چه خبر؟

۲. - نام؟

- مهناز صادقی.

- چند سالتونه، خانم صادقی؟

- ۲۴ سال.

- کدوم شهر به دنیا اومدین؟

۱. - سلام.

- سلام. خوش آمدید.

- من محمد جاسم هستیم. یک اتاق تو این

هتل رزرو کردم.

- بله! برای سه شب؟

- بله!

- پاسپورتتون لطفاً

- بفرمایید.

- امروز رسیدید ایران؟

- نه هفته پیش اومدم و مستقیم رفتم شمال ایران.

- خوب چطور بود؟

- ای بد نبود! رفتم کنار دریاچه خزر.

- چقدر خوب! می دونید دریاچه خزر

بزرگترین دریاچه دنیاست. خوش گذشت؟

- نه! اصلاً خیلی بارون می اومد. نتونستیم شنا

کنیم.

- عجب بدشانسی ای!

۲. - سلام آقای همکا. شنیدم به شمال ایران سفر کردی.

- دو هفته قبل رفتیم. جای شما خالی بود.

- خواهش می کنم. دوستان به جای ما.

- نگفتی! کجای ایران رفتی؟

- شمال غرب! سمت جنگل گلستان.

- خوب تعریف کن چطور بود؟

- استاد، بسیار عالی بود. درختهای بلند و زیبا.

- آب و هوا چطور بود؟

- روز اول که هوا بارونی بود، اما روز دوم هوا

بسیار عالی بود. اول صبح غذا درست کردیم

و رفتیم وسط جنگل. واقعاً زیبا و دیدنی بود.

۳. - سلام رافیل خان. دیشب تماس گرفتم، خونه نبودید.

- سلام. آره! سفر بودم. با یک گروه ستاره شناس.

- کجا؟ سفر این وقت سال؟

- آره. اتفاقاً وقت خوبی بود.

- حالا بگو کجا رفتی؟

- کویر لوت.

- کویر لوت کجاست؟

- کویر لوت یک بیابان خیلی بزرگ توی مرکز ایرانه.

- خوش گذشت؟

- آره! خیلی عالی بود. روز خیلی گرم بود،

- من اهل شمال ایرانم. توی رشت به دنیا اومدم و همونجا هم بزرگ شدم. تا ۱۸ سالگی شمال بودم و بعد برای تحصیل اومدم تهران.
 - چه خوب) خانم صادقی از کدوم دانشگاه فارغ التحصیل شدین؟
 - دانشگاه تهران.
 - متأهل هستید یا مجرد؟
 - ۳. - این عکس کیه؟
 - این عکس پدر بزرگمه.
 - چه کت و شلوار قشنگی پوشیده، شغل پدر بزرگت چی بوده؟
 - پدر بزرگم استاد دانشگاه تهران بود.
 - فارغ التحصیل دانشگاه تهران بود؟
 - نه فرانسه تحصیل کرده بود. دانشگاه سوربون.
 - این خانم کیه؟
 - این مادر بزرگمه. مادر بزرگم اهل فرانسه بود و توی همان دانشگاه سوربون درس می خواند.
 - بعد از فارغ التحصیلی به ایران اومدند و با هم ازدواج کردند.
 - الان پدر بزرگت کجا زندگی می کنه؟ فرانسه یا ایران؟
 - پدر بزرگم پنج سال پیش از دنیا رفت.
 - وای! خدا رحمتش کنه. مادر بزرگت چطور؟
 - ۴. - مامان شما و بابا کی ازدواج کردین؟
 - حدود ۱۵ سال پیش. من و پدرت با هم همکلاسی بودیم. بعد از اینکه از دانشگاه فارغ التحصیل شدیم باهم ازدواج کردیم.
 - از کدوم دانشگاه؟
 - دانشگاه فردوسی مشهد.
 - پس چرا الان توی تبریز زندگی می کنیم؟
 - بعد از فارغ التحصیلی، پدرت یک شغل خوب توی یک شرکت مهندسی پیدا کرد. و ما مجبور شدیم بیایم تبریز.
 - من کجا به دنیا اومدم؟
 - توی تبریز.
 - مامان چرا شما سر کار نمی روید؟
- ب) گفتگوها را دوباره گوش کنید و بگویید در هر گفتگو در مورد چه موضوعاتی صحبت می شود؟

فهرست منابع

برون، داگلاس. (۱۳۸۹). ارزشیابی زبان اصول و عملکردهای کلاسی. ترجمه‌ علی‌رضا فرح‌بخش. تهران: رهنما.
ثمره، یدالله. (۱۳۸۵). آواشناسی زبان فارسی. تهران: نشر دانشگاهی.
حق‌شناس، علی‌محمد. (۱۳۸۴). آواشناسی. تهران: آگه.

- Baltova, I. (1994). "The impact of video on the comprehension skills of core French students". *Canadian Modern Language Review*, 50, 507-531.
- Brown, Douglas H. (2000). *Principles of language learning and teaching*. London : Longman.
- Buck, Gary. (2001). *Assessing listening*. Cambridge : Cambridge University Press.
- Carroll, David W. (2008). *Psychology of language*. Boston : Thomson Wadsworth.
- Chastain, Kenneth. (1988). *Developing second-language skills theory and practice*. Orlando : Harcourt Brace Jovanovich.
- Fromkin, Victoria. (1973). *Speech errors as linguistics evidence*. The Hague : Mouton.
- Gruba, P. (1997). "The role of video media in listening assessment". *System*, 25, 335-345.
- Hanley, J. and Herron, C. and Cole, S. (1995). "Using video as an advance organizer to a written passage in the FLES classroom". *MLJ*, 79, 57-66.
- Harmer, Jeremy. (2009). *The practice of English language teaching*. London : Longman.
- Herron, C. (1994). "An investigation of the effectiveness of using an advance organizer to introduce video in the foreign language classroom". *MLJ*, 78, 190-198.
- Herron, Carol and Cole, Steven P. and Corrie, Cathleen and Dubreil, Sebastien. (1999). "The effectiveness of a video-based curriculum in teaching culture". *MLJ*, 83, 518-533.
- Herron, Carol and Cole, Steven P. and Corrie, Cathleen and Dubreil, Sebastien. (2002). "A classroom investigation : can video improve intermediate-level French language students' ability to learn about a foreign culture?". *MLJ*, 86, 36-53.
- Hinkle, E. (2006). "Current perspectives in teaching the four skills". *TESOL Quarterly*, 40/1.
- Joe, A. (1998). "What effects do text-based tasks promoting generation have on incidental vocabulary acquisition?" *Applied Linguistics*, 19, 3, 357-377.
- Krahanke, Karl. (1987). *Approaches to syllabus design for foreign language teaching*. Englewood Cliff: Prentice-Hall.

- Krashen, S. (1985). *The input hypothesis : Issues and implications*. New York : Longman.
- Ladefoged, Peter. (2006). *A Course in Phonetics*. Boston : Thomson Wadsworth.
- Larson-freeman, Diane. (2000). *Techniques and Principles in Language Teaching*. Oxford : Oxford University Press.
- Lightbown, Patsy M. and Spada, Nina. (2006). *How languages are learned*. Oxford : Oxford University Press.
- Long, Michael H. (2009). "Methodological principles for language teaching." In Long, Michael H. and Doughty, Cathrine J. *The hand book of language teaching*, 373-394. Chichester : Wiley-blackwell.
- Lottmann, A. (1961). "Films in the modern language class". *MLJ*, 45, 178-180.
- Marion, Williams and Burden, Robert. (2002). *Psychology for Language Teachers*. Cambridge : Cambridge University Press.
- Ments, M. (1999). *The effective use of role play*. London : Kogan Page.
- Nikitina, Larisa. (2010). "Video-making in the foreign language classroom : applying principles of constructivist pedagogy". *Electronic Journal of Foreign Language Teaching*, 7, 21-31.
- Nunan, David. (2000). *Second Language Teaching and Learning*. Boston : Heinle & Heinle Publishers.
- Nunan, David. (2003). *Practical English language teaching*. Boston : McGraw Hill.
- Progosh, D. (1996). "Using video for listening assessment : Opinions of test-takers". *TESL Canada Journal*, 14, 34-44.
- Purcell, E. T. and Suter, R. w. (1980). "Predictors of pronunciation accuracy : a reexamination". *Language Learning*, 30(2), 271-287.
- Richards, Jack C. (1983). "Listening comprehension : approach, design, procedure". *TESOL Quarterly*, 17, 219-239.
- Richards, Jack C. and Rodgers, Theodore. S. (2001). *Approaches and methods in language teaching*. Cambridge : Cambridge University Press.
- Roach, Peter. (2002). *English Phonetics and Phonology*. Cambridge : Cambridge University Press.
- Salaberry, M. Rafael. (2001). "The use of technology for second language learning and teaching : a retrospective". *MLJ*, 85, 39-56.